

اتحادیه پولی شرق آسیا

# بسیار فراتر از حرف

نویسنده: مارک کاستلانو

مترجم: سهیل ایلدری

نیست زیرا اقتصاد این منطقه برای اکثر معاملات خود و در عرصه بین المللی به دلار متکی است و این وضع برای ژاپن و سایر کشورهای شرق آسیا که در مبادلات خود بیشتر از این استفاده می کنند، می تواند مشکل آفرین باشد.

علاوه بر این، از آنجا که بسیاری از کشورهای شرق آسیا قربانی تعرض و ستیزه جویی ژاپن در جنگ جهانی دوم بوده اند، حساسیت نسبت به هرگونه تسلط و برتری جویی ژاپنی ها بر اقتصاد و سیاست منطقه بسیار است.

فکری قدیمی، زمینه ای نوین

به رغم این واقعیت که انواع مختلفی از اتحادیه های پولی در طول تاریخ معاصر شکل گرفته، بحث درباره تشکیل چنین سازمانی در منطقه شرق آسیا کم و بیش امری بدیع تلقی می شود.

در سال ۱۹۸۹ و به دنبال تحقق «اجلاس همکاری های اقتصاد آسیا و اقیانوسیه» تمایل به این فکر نمایان تر شد. به طوری که در کمیته فرعی «اپک» نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفت.

در سال ۱۹۹۱ بنا به درخواست بانک مرکزی ژاپن و گروهی متشکل از ۱۱ بانک مرکزی کشورهای منطقه مقرر



تا چندی پیش بسیاری از مردم «اتحادیه پولی شرق آسیا» را ساخته و پرداخته پندار محافل روشنفکری می دانستند، اما تغییرات مهم و اساسی در عرصه اقتصاد جهان ما را و می دارد که از تصورات پیشین در مورد این اتحادیه دست برداریم.

آهنگ سریع همگرایی منطقه ای، تجربیات مربوط به بحران های عظیم مالی و پیدایش پول واحد اروپا (یورو) از جمله دلایلی هستند که اندیشه سیاستگذاران را به صورت جدی متوجه «اتحادیه پولی شرق آسیا» کرده است.

البته اجرای این گونه برنامه های پر دامنه به مقدمات و مفروضات مستدلی نیازمند است و زمان مناسب و تلاش های وسیعی می طلبد. تفاوت های چشمگیر اقتصاد کشورهای منطقه شرق آسیا و موانع سیاسی موجود عاملی بازدارنده محسوب می شوند اما شرق آسیا با سرعت بیشتری در حال رشد است. علاوه بر این، یک اتحادیه پولی آسیایی می تواند از تمایل جهانی به سمت کاستن از تعداد پول ها (در نتیجه ادغام) و نیز اشتیاق منطقه برای کسب قدرت و ثبات اقتصادی بیشتر بهره گیرد.

البته در وهله اول ممکن است کشورهای منطقه بر پایه مشابهت هایشان و نیز گسترش همکاری ها و براساس شالوده ای مبتنی بر «اتحادیه پولی منطقه ای آینده» دورهم جمع شوند ولی در تدوین هر برنامه کلان باید به مقدمات لازم برای همگرایی و نیز مهلت زمانی (ضرب الاجل) توجه کرد. هنوز پیشرفت اندکی در این زمینه به چشم می خورد و احتمالاً جز تلاش هایی که می تواند نیروهای اقتصادی و سیاسی مهم منطقه را با یکدیگر متحد سازد، چندان تحولی مشاهده نمی شود.

کاندیدای منطقی برای ایفای این نقش، ژاپن است که از دیرباز نیروی محرکه رشد اقتصادی شرق آسیا به حساب می آمده است. اما ایجاد یک «بلوک یان» هدفی واقع گرایانه



گردید جریان همگرایی اقتصادی منطقه شتاب بیشتری به خود گیرد. «مقامات اجرایی بانک های مرکزی شرق آسیا» EMEAP<sup>۱</sup> در گردهمایی نخست خود در درجه اول بر مبادله اطلاعات تاکید داشتند اما به تدریج به همکاری های پولی توجه بیشتری نشان دادند.

هر چند تصور رایج این است که اپک و EMEAP بذر اتحادیه پولی شرق آسیا را کاشته اند، بحث درباره این مساله تا اواخر دهه ۱۹۹۰ به طور جدی مورد توجه قرار نگرفت. در آن زمان، رشد و توسعه کلان در اقتصاد این کشورها، رهبران مالی را به فکر اتخاذ تدابیری برای یکپارچه کردن این اقتصادها انداخت و این موضوع بار دیگر اهمیت یافت. این وقایع عبارتند از: آثار خانمانسوز بحران اقتصادی شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ رخ نمود، کاهش برابری «بات تایلند»، بحران مالی جهان و تاخیر در بازپرداخت بدهی های روسیه در سال ۱۹۹۸، آسیب جدی بر بنیان های سیستم پولی بین المللی وارد کرد. در نتیجه، بحث درباره پایه های اولیه آنچه «معماری مالی جهان» نامیده می شد، برای مدتی متوقف گردید، بحث مهمی مطرح شده بود مبنی بر این که نوسان ارزها ریشه اساسی این بحران است.

حوزه ای از بحث درباره سیاست بین المللی بر این موضوع مناقشه انگیز تمرکز داشت که چگونه می توان یک سیستم ارزی مناسب پدید آورد.

سیستم های انعطاف ناپذیر اقتصادی به دلیل مقاومت در برابر اصلاحات ساختاری، در ایجاد تغییرات سریع در عرصه اقتصاد ناکام ماندند و جانشینان متعارف «نرخ ارز انعطاف پذیر شناور کامل» و «سیستم های هدف گذاری نرخ ارز» و یا دیگر روش ها هم در مواجهه با مشکلات ایمن نبودند. از این رو، سیاستگذارانی که مشتاق ثبات بودند به طوری جدی به آزمون ایده های معینی روی آوردند که از مهمترین آنها می توان به اتحادیه پولی اشاره کرد.

دومین عاملی که بحث درباره اتحادیه پولی شرق آسیا را گرمی و تحرک بیشتری بخشید، شکل گیری «اتحادیه پولی اروپا»<sup>۲</sup> بود در ژانویه سال ۱۹۹۹ یازده کشور عضو اتحادیه اروپا، پولهای ملی را به نفع پول واحد جدید - یورو - کنار گذاشتند.

ناظران بدبین معتقدند پیمانی همچون «پیمان ماستریخت»<sup>۳</sup> بار دیگر تحقق نخواهد یافت مگر آنکه تمامی زمینه های لازم فراهم گردد. به هر حال، اکنون چند سال از شکل گیری اتحادیه پولی اروپا می گذرد و به نظر می رسد این اقدام در رسیدن به اهداف خود موفق بوده است. علاوه بر این، پول واحد اروپا رفته رفته مزایایی به دست می آورد که در بدو امر آنها را وعده داده بود. بازارهای اوراق بهادار و

بانک های اروپایی در یکدیگر ادغام شدند و این موجب شد تجارت و بازرگانی افزایش یابد و در مناطقی که ادغام صورت گرفته بود، اقتصادی با کارایی بیشتر فعالیت کنند. تاسیس اتحادیه پولی اروپا ثابت کرد که در وضعیت مناسب، شکل گیری چنین نظامی نه تنها لازم که عملی نیز هست. پس به دنبال موفقیت های اخیر اتحادیه پولی اروپا، آیا اکنون وقت آن فرا رسیده که ایجاد «اتحادیه پولی آسیا» هم مورد توجه قرار گیرد؟

البته فراهم کردن شاخص های مورد نیاز برای نیل به همگرایی سیاسی و اقتصادی از ضروریات اولیه شکل گیری اتحادیه پولی محسوب می شود. از هر دیدگاه که بنگریم اروپاییان در بسیاری زمینه ها جلوتر از سایر ملل هستند اما شرق آسیا نیز به طور خیره کننده ای پیشرفت کرده است.

روابط منطقه ای با توجه به الگوهای مبادله، جریان سرمایه گذاری و مناسبات سیاسی - به ویژه در منطقه جنوب شرقی آسیا رشد چشمگیری کرده است و شدت پیوستگی منطقه ای در هنگامه بحران اقتصادی و مالی سال ۱۹۹۷ آسیا به خوبی آشکار شد.

اکنون، خوب یا بد، کشورهای شرق آسیا بسیار به یکدیگر وابسته شده اند. علت این همبستگی جدید را باید در تحقق اهدافی جستجو کرد که در ابتدا بسیار بعید و دست نیافتنی می نمود.

دبیرکل اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا «رودلف سی. سورینو»<sup>۴</sup> در اوت سال ۱۹۹۹ اظهار داشت که علت همگرایی شدید اقتصادی این کشورها را باید در تمایل آنها به تحقق هدف «پول واحد اتحادیه آسه آن»<sup>۵</sup> جستجو

شکل گیری اتحادیه پولی آسیا مناسب باشد. اما نباید فراموش کرد که هر تحلیل شتابزده و سریع می تواند نتیجه گیری نادرستی در پی داشته باشد. در حقیقت، قبل از پایه گذاری اتحادیه پولی شرق آسیا، موانع مهمی باید از سرراه برداشته شود: نخست آنکه ناهمگونی اقتصادی در منطقه بسیار زیاد است؛ برای مثال: در سال ۱۹۹۹ رشد نرخ بهره در اندونزی نزدیک به صفر بود، در حالی که این رشد در کره جنوبی به عددی دو رقمی می رسید. (به جدول رجوع شود) اختلاف سطوح درآمد سرانه در طیف وسیع تری به چشم می خورد مثلا این رقم در سنگاپور ۳۳۸۱۰ دلار آمریکا، اما در کشور ویتنام معادل ۳۳۵ دلار بود.



در سطح بدهی های دولت، تراز حساب جاری و نرخ های بهره کشورهای منطقه نیز می توان به تفاوت های آشکاری اشاره کرد. همچنین در سطح منطقه، نظامهای اقتصادی متفاوتی به چشم می خورد که می توان آنها را در مقولاتی همچون: سرمایه داری مبتنی بر بازار آزاد و سوسیالیسم مبتنی بر کنترل دولتی طبقه بندی کرد که شدیداً با یکدیگر متفاوتند. سرانجام آنکه حجم کل تولیدات منطقه به نحو بازرسی نامتعادل است. به طور مطلق می توان گفت: اقتصاد ژاپن بسیار بزرگتر از اقتصاد سایر کشورهایی است که قصد یکپارچگی با یکدیگر را در سری پرو دارند.

کرد که مشابه یک اتحادیه گمرکی یا بازار مشترک است. به نظر می رسد چند کشور پیشرو دیگر در شرق آسیا که در سالهای اخیر همگرایی اقتصادی عمیقی داشته اند و از فکر ایجاد اتحادیه پولی جانبداری می کنند، نیز با این عقیده موافق باشند. شماری از سیاستگذاران اصلی در ژاپن و تایوان خواستار شکل گیری یک پول مشترک در شرق آسیا هستند. درست قبل از ژانویه سال ۱۹۹۹ و به جریان افتادن یورو، مدیر اجرایی «مرجع پولی هنگ کنگ»<sup>۱۱</sup> «جوزف یام»<sup>۱۲</sup> توجه عموم را به اتحادیه پولی آسیا معطوف داشت و به طور رسمی و برای اولین بار این موضوع را در دستور کار اجلاس منطقه قرار داد.

در اکتبر سال ۱۹۹۹ وزیر دارایی هنگ کنگ «دونالد تسانگ»<sup>۱۳</sup> در این زمینه کار می کرد که از تباطی اقتصادی مابین هنگ کنگ و سنگاپور ایجاد کند. بدین ترتیب او آرزوی دیرین خود را مبنی بر ادغام پولهای ملی و شکل گیری پول واحد آسیایی آشکار ساخت.

وی پیشنهاد کرد برای آمادگی بیشتر در مقابله با چالش های نوین جهانی، سنگاپور و هنگ کنگ به فکر ایجاد پول واحدی باشند که بتوان سرانجام آن را در سرتاسر آسیا نیز به کار گرفت.

یک ماه بعد، رئیس جمهور وقت فیلیپین - جوزف استرادا - اجلاس سالانه آسه آن را افتتاح کرد و خواستار آن شد تا ۱۰ کشور عضو اتحادیه در جهت ایجاد بازار مشترک آسیای شرقی و پول واحد منطقه ای گام بردارند.

گذشته از این، نشانه های علاقه مندی منطقه به پول واحد در بیانه های سیاسی نیز آشکار شد و این موضوع در سایر گردهمایی های منطقه نیز به میان آمد.

«اجرای برنامه هانوی»<sup>۱۴</sup> که به ابتکار اتحادیه کشورهای آسه آن و در دسامبر سال ۱۹۹۸ منتشر شد، خواستار مطالعه درباره ایجاد پول واحد آسیایی و رژیم ارزی مربوط به آن شد. در ژوئن ۱۹۹۹ پنجمین کنفرانس بین المللی درباره آینده آسیا با حمایت «نیهون کیزای شیمبون»<sup>۱۵</sup> روزنامه پیشرو ژاپن برگزار شد. در این کنفرانس نخست وزیر مالزی - ماهاتیر محمد - و آقای استرادا یکصدا فکر همگرایی اقتصادی را تحسین کردند و حتی به تشکیل یک بلوک پول واحد منطقه ای اشاره کردند.

مالزی بعداً نیز میزبانی اجلاسی در خصوص اتحادیه پولی شرق آسیا را به عهده گرفت که خود انگیزه ای شد تا هیاتی از کارشناسان صندوق بین المللی پول مطالعه و بررسی در این زمینه را آغاز کند.

**هنوز راه درازی در پیش است**

با توجه به تمام جوانب، به نظر می رسد وضعیت برای

رشد واقعی و درآمد سرانه در شرق آسیا در سال ۱۹۹۹

| اسامی کشورها | درصد رشد | درآمد سرانه (دلار) |
|--------------|----------|--------------------|
| چین          | ۷/۱      | ۸۶۰                |
| هنگ کنگ      | ۲/۲      | ۲۰۰/۲۵             |
| اندونزی      | -۰/۲     | ۱۱۰/۱              |
| ژاپن         | -۰/۶     | ۱۶۰/۳۸             |
| مالزی        | ۵/۰      | ۵۳۰/۴              |
| فیلیپین      | ۳/۰      | ۲۰۰/۱              |
| سنگاپور      | ۵/۶      | ۸۱۰/۳۲             |
| کره جنوبی    | ۱۰/۰     | ۵۵۰/۱۰             |
| تایوان       | ۵/۴      | ۶۰/۱۳              |
| تایلند       | ۴/۵      | ۷۴۰/۲              |
| ویتنام       | ۵/۳      | ۳۳۵                |

سرمایه گذاران دهد مبنی بر اینکه ثبات مالی این کشور در معرض خطر قرار ندارد.

### نه چندان اغراق آمیز

بحران مالی شرق آسیا رویداد عبرت آموزی بود برای کشورهای این منطقه که از آشفتگی و نابسامانی اوضاع خسته شده بودند. رهبران این کشورها که از بحران آسیب دیدند، با نگرانی از تکرار اشتباهات مشابه، به دنبال شناخت دلایل عمده آن بودند. به نظر می رسد در بین دلایل عمده ای که در این خصوص گفته شد، یک فکر پذیرش جهانی یافته است: وابستگی زیاد به دلار آمریکا و وجود سیستم های ارزی که ساختاری ناکارآمد دارند، از دلایل اصلی وقوع بحران به شمار می آید.

بنابراین رهبران این کشورها به این نتیجه رسیدند که ثبات پول ملی اصلی ترین عامل برای پرهیز از بحران های مالی است. اما از آنجا که شیوه های سنتی ذاتا مشکل زا هستند، رسیدن به چنین موازنه ای کار آسانی نخواهد بود چرا که کنترل جریان سرمایه می تواند به فرار سرمایه های خارجی منجر شود.

زمانی که انعطاف پذیری سیستم های ارزی افزایش می یابد، نمی توان کاهش نوسانات پول های رایج را تضمین کرد. بنابراین هدف تشکیل اتحادیه پولی شهرت فراوانی برای خود به دست آورد.

اگر چه این طرز تفکر تا حدودی افراطی است ولی به عنوان راه حلی اساسی، در ممانعت از بروز مجدد بحرانهای مالی مشابه آنچه در سالهای ۱۹۹۷ الی ۱۹۹۹ رخ داد، مطرح شده است.

شرق آسیا شامل چندین کشور کوچک است و هر یک از آنها ممکن است به واسطه فشار اقتصاد جهانی از پای درآید. زیرا جریان سرمایه در سرتاسر این کشورها حجم و سرعت فوق العاده ای دارد و هرگونه دگرگونی غیرمنتظره و حساسیت بازار می تواند بنیان اقتصادهای کوچک منطقه را ویران کند.



منبع: رشد نرخ بهره (گلدمن ساکس)-درآمد سرانه (دبیرخانه اتحادیه همکاری های اقتصادی آسیا - اقیانوسیه)

موانع سیاسی ممکن است از این نیز بزرگتر باشند. سران بسیاری از کشورها تمایلی به حاکمیت قوانین فراملیتی ندارند؛ به ویژه هنگامی که حکومت در کشوری جنبه «موروثی» داشته باشد و از داخل نیز با برخی از مشکلات و تهدیدات دست و پنجه نرم کند.

محدودیت دیگر از این واقعیت ساده سرچشمه می گیرد که بسیاری از کشورها شاید مایل نباشند پول واحدی را بپذیرند که حامل یک نماد خارجی است، به ویژه هنگامی که شهروندان به این مسئله خو گرفته باشند که تصاویر در عین حال میراث جنگ جهانی دوم نیز هنوز از یاد نرفته و نوعی بی اعتمادی و احساس تفر شدید بین ژاپنی ها و بسیاری دیگر از همسایگان نشان به چشم می خورد. مناقشه های حل نشده و طیف وسیعی از ادعاهای ارضی در خصوص «جزایر اسپرنتلی»<sup>۱</sup> و نیز تداوم کشمکش مدام میان جمهوری خلق چین و تایوان تلاش در جهت همگرایی را خنثی می کند. بنابراین هیچ قدرت منطقه ای جدیدی ایجاد نخواهد شد.

بدون رهبری قدرتمند یا سطح بالایی از اعتماد، شکل گیری اتحادیه پولی آسیا امکان پذیر به نظر نمی رسد. در حال حاضر، از سایر علایم و نشانه ها نیز چنین برمی آید که بحث درباره اتحادیه پولی آسیا بسیار زود است. مقامات هنگ کنگی در اکتبر سال ۱۹۹۹ آقای تسانگ را مجبور کردند از تعهداتش در مورد سرمایه گذاری مخاطره آمیز (معاملات سفته بازی و سهام) دست بردارد و سیستم ارزی این کشور را که به مدت ۱۷ سال به دلار آمریکا وابسته بود، ملغی کند. اکنون با در نظر گرفتن جمیع جوانب باید گفت: «فکر پول واحد آسیایی اغراق آمیز به نظر می رسد».

آقای یام که روزگاری از اتحادیه پولی آسیایی جانبداری می کرد، امروز لحن خود را تغییر داده و اطمینان مجددی به

همچنین همان طور که آقای تسانگ اظهار داشته بود، نگهداری بسیاری از ارزهای معتبر و قدرتمند در منطقه «دستورالعملی برای ثبات تلقی می شود».

وجود اتحادیه پولی در شرق آسیا تا حد زیادی آسیب پذیری کشورهای شرق آسیا را در مقابل حملات سوداگرانه (سفته بازان و بورس بازان) تقلیل خواهد داد. حصول چنین قدرتی در سطح وسیع به نفع «دولت شهر» هایی همچون هنگ کنگ، سنگاپور و سایر قدرت های کوچک منطقه ای همچون برونی، خواهد بود.

افزون بر این، اتحادیه پولی از چند جاذبه دیگر برخوردار است:

نخست آنکه شکل گیری چنین اتحادیه ای حذف مبادلات ارزی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین شرکت ها قادر خواهند شد به شکل بسیار کاراتری در صحنه تجارت و بازرگانی فعالیت کنند.

علاوه بر این، شفافیت قیمتهای منطقه، خود می تواند انگیزه مناسبی در جهت رقابت باشد که از پیامدهای آن افزایش بهره وری است.

از همه مهم تر اینکه سهولت و ثبات می تواند موجبات گسترش تجارت و سرمایه گذاری را در منطقه فراهم آورد و

صنعت توریسم نیز که در اقتصاد بسیاری از کشورهای شرق آسیا جایگاه ویژه ای دارد، رشد قابل توجهی خواهد یافت.

همگرایی اقتصادی نیز روند دیگری است که موجب خواهد شد شرق آسیا سرانجام قادر شود طرح تشکیل اتحادیه پولی را به شکل عملی و قابل اجرا دنبال کند. در نخستین سال های دهه ۱۹۹۰ تجارت درون منطقه ای و سرمایه گذاری های مستقیم خارجی افزایش بسیار یافت. این الگو در طول سال های میانی دهه ۹۰ نیز ادامه یافت به طوری که سهم صادرات هر کشور در درون منطقه به ۴۷/۷ درصد در سال ۱۹۹۶ رسید که از رقم ۳۰/۹ درصد سال ۱۹۸۶ بالاتر است.

طی سال های اخیر، روابط سیاسی و اقتصادی دو یا چند جانبه در منطقه رشد قابل توجهی را نشان می دهد. برای مثال، آسه آن یک منطقه تجارت آزاد ایجاد کرده و در پی حذف موانع تجاری در میان کشورهای موسس اتحادیه (اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و برونی) است و در حال حاضر در فکر تدوین موافقنامه ای است که سرمایه گذاری در کالاهای صنعتی در سرتاسر منطقه را تسهیل کند.

شمار دیگری از کشورها هم در حال بررسی ایجاد یک

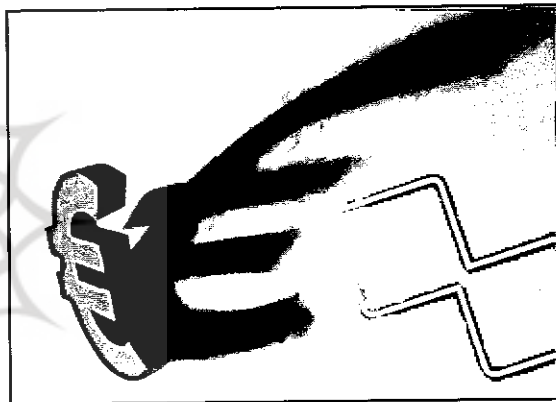




منطقه آزاد تجاری هستند که اگر واقع گرایانه باشد، گام بزرگی در جهت همگرایی اقتصادی خواهد بود. برای مثال، ژاپن با کره جنوبی و سنگاپور در حال مذاکره است و کره جنوبی نیز امکان برقراری همکاری های دوجانبه با چین و کشورهای عضو آسه آن را در دست بررسی دارد.

فشارهای جهانی بر توسعه و گسترش پولی شرق آسیا تاثیر می گذارد. در حقیقت، بلوک بندی پول های رایج امروزه به صورت «مد» درآمده است. یورو در حال شکوفایی است و اتحادیه پولی اروپا شمار اعضای را به سرعت افزایش می دهد.

از طرف دیگر، بسیاری از تلاشهای اقتصادی در شمال و جنوب قاره آمریکا بر حول محور دلار آمریکا می چرخد. از این رو، چند کشور در حال توسعه آمریکای لاتین که ثبات ناچیزی دارند، فعالانه مشغول مذاکره درباره انتخاب دلار به عنوان پول ملی خود هستند و «برنامه دلاری شدن»<sup>۲۲</sup> در آرژانتین، السالوادور و اکوادور پیشنهاد شده و حتی مکزیک نیز



مجدوب این طرح شده است و هنوز بحث و کشمکش به طور جدی درباره این مسئله وجود دارد.

به طور خلاصه، اقتصاددانان پیش بینی می کنند روند «منطقه گرایی»<sup>۲۳</sup> رو به رشد دارد و بلوک های پولی نیز به تبع آن رفته رفته شکل می گیرند. بر مبنای گفته برنده نامدار جایزه نوبل اقتصاد، رابرت ماندل: «به نظر می رسد پیروی از تجربه موفق اروپاییان برای سایر ملل نیز جذاب و قریب الوقوع باشد. به ویژه در آسیا که اقدام آنها به مثابه فروپاشی نظام پولی بین المللی تلقی می گردد و اوضاع و احوال جدیدی ایجاد خواهد کرد که باید آن را بپذیریم.

این اقدام و مناسبات پولی منطقه ای آن، در واقع دومین جانشین مناسب برای نظام پولی بین المللی محسوب می گردد.»

«میشل کامدسو»<sup>۲۴</sup> رییس سابق صندوق بین المللی پول با این عقیده موافق است که: «در بلندمدت ما به سمت دنیایی حرکت می کنیم که در آن شاهد تعداد کمتری از پول های

رایج باشیم.»

البته منتقدان به درستی شرق آسیا را متهم می کنند که این منطقه فاقد شرایط زیربنایی مورد نیاز برای شکل گیری اتحادیه پولی است اما در هر حال ضرورت دارد که به انگیزه هایی که این منطقه را به سمت این طرح سوق می دهد، توجه کنیم.

حامیان این طرح تایید می کنند که شکل گیری اتحادیه پولی در کوتاه مدت غیرممکن است اما ایجاد آن در بلندمدت غیرمتحمل نیست و به منظور این هدف در آینده، رهبران این کشورها باید در حال حاضر خود را برای انجام کارهای زیربنایی مهیا سازند.

هنگامی که بحث درباره پول واحد اروپایی به میان آمد، شکاف بین کشورهای اروپایی هم بسیار زیاد بود، بنابراین تلاش در جهت تحقق چنین برنامه های بلند پروازانه ای برای آینده شرق آسیا هم اینک چندین رویایی به نظر نمی رسد.

### نخستین گام های احتمالی

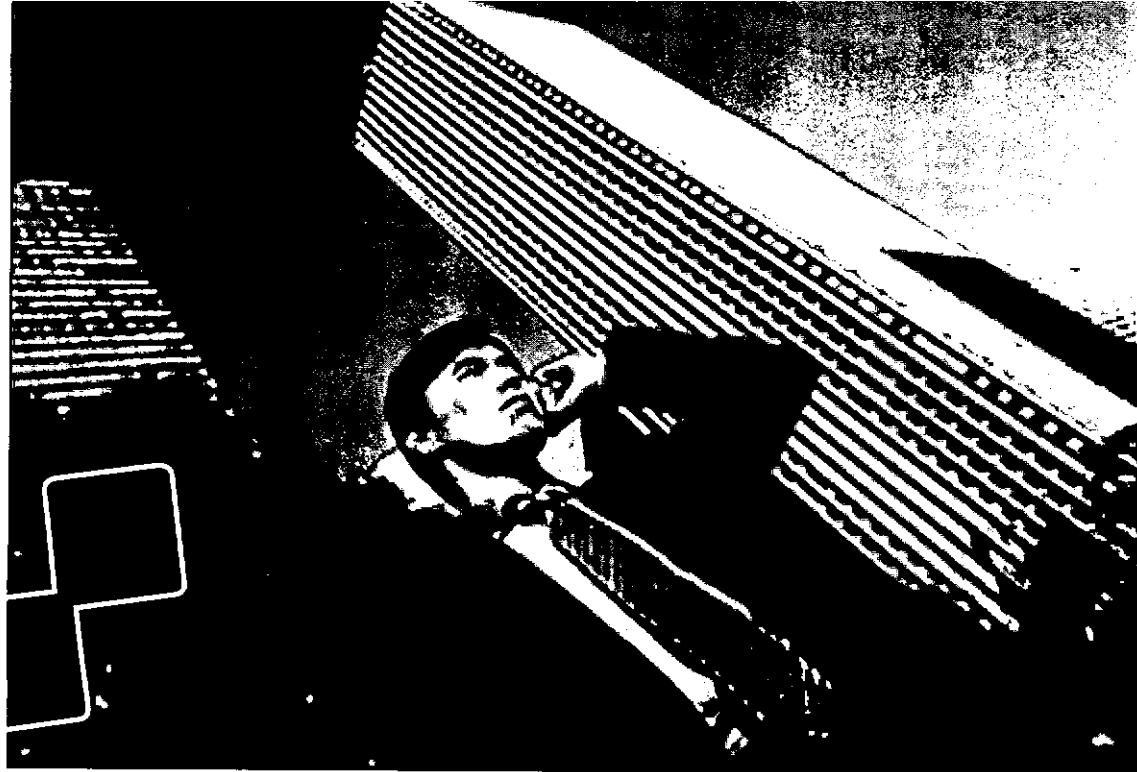
اگر بین دو عبارت زیر که بسیار به هم نزدیکند و مترادف یکدیگر به کار می روند، تمایز قابل شویم به درک مسئله به ما کمک زیادی خواهد کرد: «پول واحد»<sup>۲۵</sup> و «اتحادیه پول»<sup>۲۶</sup>.

تفاوت بین این دو واژه از آنجا ناشی می شود که اولی بسیار پیشرفته تر از مفهوم دومی است. به بیان دقیق تر یک یا چند کشور، در حالی که در مورد تثبیت نرخ های بهره توافق دارند، اتحادیه ای پولی بنیان می نهند. چنین تریباتی نشانه برداشتن نخستین گام ها به سمت یک پول واحد است و خبر از روابط اقتصادی منسجم تری می دهد که براساس آن کشورهای بیشتری می توانند واحد پولی مشترکی را برای خود برگزینند.

در حال حاضر تلاش ها در منطقه شرق آسیا بر تاسیس و شکل گیری اتحادیه پولی تمرکز یافته، چرا که این پیش زمینه و مقدمه ای برای ایجاد پول واحد تلقی می شود و هدف نهایی، ایجاد پول واحد است.

بحث و بررسی درباره موضوعاتی که با اتحادیه پولی مرتبطند، از دیرباز حول مفهوم «مساعدترین حوزه های پولی»<sup>۲۷</sup> دور می زند و هدف آن شناسایی وضعیتی است که در برقراری این مناسبات موثر تواند بود. برای مثال کشورهایی که وسعت کمی دارند و درهائشان بر روی تجارت باز است، ممکن است از پیوستن به اتحادیه پولی حمایت کنند. سایر عناصر مهم هر حوزه پولی مناسب شامل تغییرات گسترده ای است که بر هر کشور تاثیر متفاوتی می گذارد.

آیا چنین شرایطی که در هر کجای آسیا وجود دارد؟ پاسخ کوتاه به این سوال «منفی» است اما تعداد کمی از مناطق



مقابل اصلاحات و یکپارچگی با سایر کشورهای آسه آن شدیداً مقاومت می کنند و در واقع، دنباله روی اقتصادهای به اصطلاح توسعه یافته اند. علاوه بر این، تأکید اعضای جدید بر صیانت از حاکمیت ملی و عدم مداخله خارجی، تلاش در جهت یکپارچگی را دشوار می کند. بنابراین همه کشورهای آسه آن درک یکسانی از سطوح بسالای همکاری های متقابل که برای شکل گیری اتحادیه پولی ضروری است، ندارد.

اتحادیه آسه آن به صورتی گسترده تر، گزینه ای است که در قیاس با اتحادیه ای با شش عضو بنیان گذار امکان موفقیت بیشتری دارد. برای مثال، برونی در حال حاضر واحد پولی ملی خود را به دلار سنگاپور وابسته کرده و تحت عنوان تریباتی مشابه، پول ملی هر یک از این کشورها از این امکان برخوردار است تا در دیگر کشورهای اتحادیه نیز مبادله شود. به هر حال انواع دیگری از این قبیل همکاریها، چنین توافقنامه هایی را توجیه پذیر می کند.

نوع دیگری از اتحادیه پولی ممکن است در سطح چین بزرگ شکل گیرد. به نظر می رسد زمانی که پیوندهای اقتصادی و سیاسی میان سرزمین اصلی، هنگ کنگ و تایوان استوارتر شود، پیش زمینه های لازم برای تحقق این طرح نیز فراهم می آید. از لحاظ سیاسی نیز این سه منطقه، هر کدام دارای هویت جداگانه ای هستند. پکن ادعا می کند تایوان یک استان پیمان شکن و خائن است و آن کشور را تهدید نظامی نیز کرده است. از سوی دیگر، گرچه هنگ کنگ به طور رسمی بخشی از چین محسوب می شود، این دولت شهر هنوز مناسبات پولی خود را حفظ کرده است. علاوه بر این، گسترش «کلان شهرها»<sup>۸</sup> با مقررات و مناسبات خاص هر یک و آزادی های بیشتر این امکان را به کشور چین

از توان بالقوه مناسبی در این زمینه برخوردارند. در مقیاس دقیق تر، سه نوع اتحادیه پولی ممکن است میان کشورهای آسه آن

- چین بزرگ (شامل: سرزمین اصلی چین، تایوان و هنگ کنگ)

- ژاپن و کره جنوبی

شکل گیرد. اکنون کشورهای عضو آسه آن با سرعت هر چه تمامتر به سمت همگرایی اقتصادی پیش می روند. در طول دهه گذشته، حجم تجارت بین المللی پیوسته در حال افزایش بوده و سطح جدیدی از همکاری به عنوان محرکی برای چیره شدن بر بحران مالی مطرح شده است، در سال های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ گروه کشورهای آسه آن یک رشته برنامه به منظور پیشبرد ادغام اقتصادی تدوین کردند و امروز که بر اساس دستور کار تعیین شده شماری از اهداف نیز در شرف تحقق است.

برای مثال، بخش مربوط به توافقنامه تجارت آزاد یک سال قبل از شکل گیری آسه آن تأثیر گذار شده بود. توافقنامه مربوط به سرمایه گذاری، دیگر ابتکار عمده ای است که بایستی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ به اجرا گذاشته شود.

گرچه تسهیلاتی در مرزهای مشترک کشورهای عضو آسه آن برقرار شده ولی موانع اساسی در راه شکل گیری اتحادیه پولی شرق آسیا همچنان به قوت خود باقی است. ساختار کشورهایایی که اخیراً به عضویت آسه آن درآمده اند - کامبوج، لائوس، میانمار (برمه سابق) و ویتنام - به طور کلی با ساختار کشورهای اصلی و بنیانگذار این اتحادیه متفاوت است. به طور نسبی، کشورهایایی که اخیراً به عضویت اتحادیه آسه آن درآمده اند، در مرحله انتقال اقتصادی هستند و در

می دهد تا خود را در نقش دولتی بزرگ مطرح کند. با وجود همه تنگناهای پیش روی که طبیعی نیز هستند، یکپارچگی سه اقتصاد یاد شده تحت لوای نیروی نظام و اتحادیه پولی امری آسان و تقریباً طبیعی ترین گام محسوب می شود.

نوع سوم، همگرایی منطقه ای مربوط به ژاپن و کره جنوبی است. این دو کشور اخیراً از مجاورت جغرافیایی یکدیگر سود بسیار برده و از پیشرفت های چشمگیری در زمینه بسط و گسترش مناسبات و پیوندهای اقتصادی دوجانبه برخوردار بوده اند، به طوری که موانع تجاری و تنشهای فرهنگی بین دو کشور نیز برطرف شده است. در حال حاضر، بحث دوجانبه ای در مورد هماهنگی های لازم برای توافقنامه سرمایه گذاری های مشترک و ایجاد منطقه تجارت آزاد در جریان است.

به هر حال، گرچه ژاپن و کره جنوبی در بسیاری از زمینه ها به یکدیگر نزدیک شده اند، شکل گیری اتحادیه پولی هنوز راه درازی در پیش دارد. با توجه به مشابهت های اقتصادی دو کشور همسایه و با توجه به اینکه سایر کشورهای منطقه نیز به شدت در زمینه همگرایی بازرگانی همکاری می کنند، ایجاد یک اتحادیه پولی در آینده نزدیک چندان دور از دسترس به نظر نمی رسد.

این سناریو به احتمال زیاد نخستین گام در پیشروی به سوی اتحادیه پولی جنوب شرقی آسیا محسوب می شود. از لحاظ نظری ابتدا کشورهایی که در زمینه های مختلف شبیه هم هستند، با یکدیگر ادغام می شوند سپس اقتصادهایشان هماهنگ و سازگار خواهد شد. در نتیجه این گونه پیوندها، زیربنایی حاصل خواهد شد که شکل گیری اتحادیه پولی از پیامدهای آن است. در حقیقت، این همان برنامه پیشنهادی آقای تسانگ است که در اکتبر سال گذشته اعلام کرده بود. هنگ کنگ و سنگاپور در حال بررسی و مطالعه این طرح هستند که یک پول واحد را در مناسبات اقتصادی خود به کار گیرند و این طرح بعدها می تواند تعمیم یابد و در سرتاسر آسیا به کار گرفته شود.

اکنون در کشورهای جنوب شرقی آسیا بسیاری از مبادلات بر مبنای دلار آمریکا صورت می گیرد. در اغلب این کشورها پول ملی شان به نوعی به دلار آمریکا وابسته است و لازم است این وابستگی قبل از شکل گیری اتحادیه پولی آسیا کاهش یابد. علاوه بر این، تعرفه ها و سختگیری ها در خصوص جذب سرمایه های مستقیم خارجی نیز باید کاهش یابد و قوانین مربوط به مهاجرت و کار هم باید تعدیل شود. به منظور تدوین یک برنامه واقع گرایانه، دولت های منطقه باید مجموعه ای از معیارهای لازم برای همگرایی را در نظر بگیرند، نظیر معیارهایی که به هنگام به جریان افتادن

یورو در پیمان ماستریخت مورد توجه قرار گرفت. این معیارها باید به گونه ای باشد که در خصوص سطح بدهی های عمومی، نرخ تورم و نرخ بهره کوتاه مدت توافق داشته باشد.

از همه مهم تر اینکه اگر شرق آسیا به سمت ایجاد اتحادیه پولی گام بردارد، نیازمند آن است که یک کشور قدرتمند پول خود را به عنوان لنگر پولی قرار دهد و در ابتکار عمل ها پیشگام باشد.

ناظران، کشور سنگاپور را برای ایفای چنین نقشی پیشنهاد می کنند زیرا پول ملی این دولت شهر، یکی از با ثبات ترین پول های رایج در منطقه است. همچنین مقامات پولی سنگاپور دید بسیار وسیعی دارند و فوق العاده هوشیار و کارآمد هستند. اما مقامات دولتی این کشور مدت های مدیدی در مقابل بین المللی شدن پول ملی خود مقاومت کرده بودند. به علاوه، سنگاپور با جمعیتی در حدود ۴ میلیون نفر در عین حال که کشور کوچکی محسوب می شود، از لحاظ سیاسی و اقتصادی نقش موثری در منطقه ایفا می کند.

احتمالاً نه ژاپن و نه چین، که هر کدام اقتصاد بزرگی در منطقه محسوب می شوند، در این مسیر پیشگام نخواهند بود. اقتصاد چین گرفتار مشکلاتی چون رشد اقتصادی آرام، تورم لجام گسیخته و سطح بالای بیکاری است. همچنین «یوان» چین به آسانی قابلیت تبدیل ندارد. اقتصاد ژاپن ممکن است از لحاظ ساختاری بسیار استوار به نظر برسد اما عملکرد آن در اواخر دهه ۱۹۹۰ بسیار اسف انگیز است. سرانجام به رغم علاقه دیرینه توکیو به بین المللی کردن ین





تلاش های این کشور چندان سودمند نخواهد بود.

## روای بلوک بین

بین المللی شدن بین نه تنها به نفع بازرگانان و بانکهای ژاپنی است بلکه از لحاظ سیاسی نیز برای این کشور پیشرفتی قابل توجه به شمار می رود. کاهش ریسک نرخ مبادله ارزی سبب می شود عملیات مربوط به همکاری های چند ملیتی بسیار پر منفعت گردد. زمانی که استفاده از این در مبادلات سرتاسر منطقه گسترش یابد، ژاپن چون یک قدرت اقتصادی بین المللی جلوه گر خواهد شد. بنابراین از اوایل دهه ۱۹۸۰ توکیو تلاش بسیاری کرده تا این را در فراسوی مرزهایشان تقویت کند. اما از آنجا که ساختار نظام های مالی جهان بر پایه دلار است، انگیزه های کمتری برای کشورهای جهان - حتی منطقه شرق آسیا - وجود دارد که اساسا از این در مبادلاتشان بهره گیرند.

به رغم این مشکلات، وزارت دارایی ژاپن به ابتکارات جدیدی متوسل شد تا در سال ۱۹۹۸ این راه به عنوان پول بین المللی معرفی کند. پس کمیسیون ویژه ای با هدف ارائه رهنمود برای تحقق اهداف و ارائه گزارش ها تاسیس شد. در نتیجه، گسترش بین به یک هدف سیاسی برای دولت نخست وزیر وقت ژاپن «کیزو اوبوچی»<sup>۱۹</sup> تبدیل شد و در دستور کار سیاست خارجی این کشورها قرار گرفت. در اکتبر سال ۱۹۹۷ وزیر دارایی ژاپن «کیچی میازاوا»<sup>۲۰</sup> مبلغ ۳۰ میلیارد ین به منظور کمک به بهبود اقتصادی کشورهای شرق آسیا و رهایی از بحران مالی سال ۱۹۹۷ اختصاص داد. این راهبرد که به «برنامه میازاوا»<sup>۲۱</sup> معروف شد، به منظور گسترش اعطای «وامهای کم بهره»<sup>۲۲</sup> به دولت های دچار کمبود نقدینگی تدوین شده بود و مقامات ژاپنی امیدوار بودند در پناه این برنامه و با تزریق فراوان ین و یا «وام های مبتنی بر ارزش اسمی ین»<sup>۲۳</sup> بتوانند حضور فیزیکی پول ملی خود را در بازارهای مالی منطقه شرق آسیا گسترش دهند. بر مبنای این طرح، کشورهای شرق آسیا نه تنها به استفاده از این در مبادلات خود عادت می کردند بلکه این خود انگیزه ای بود تا دارایی های مبتنی بر ین همانند بدهی های مبتنی بر ین رو به افزایش نهد.

بدین ترتیب، رهبران ژاپنی به استفاده بیشتر از پول ملی خود در اجلاس های چند جانبه و سفرهای ماورای بحار خود همت گماشتند. آقای اوبوچی در ژانویه سال ۱۹۹۹ و در خلال مسافرتش به قاره اروپا به تمجید و تحسین سیستم های ارزی سه قطبی بر پایه دلار، یورو و ین پرداخت.

در اجلاس ماه مه بانک توسعه آسیایی آقای میازاوا با همتایان چینی، کره جنوبی و کشورهای آسه آن دیدار و گفتگو کرد تا استفاده از ین را در مبادلات و سرمایه گذاریها

گسترش بخشد.

سپس در آوریل سال ۱۹۹۹ و طی اجلاسی در خصوص تاثیر یورو «ایسوکو ساکاکاکی بارا» معاون امور بین المللی وزارت دارایی ژاپن پایبندی سرزمین آفتاب تابان را به ایجاد یک رشته تلاش های تمام عیار به منظور اصلاح نظام مالی این کشور و به منظور گسترش جنبه های بین المللی کردن ین اعلام داشت.

یک دلیل عمده برای محدود ماندن نقش ین در اقتصاد جهانی این است که ین به طور نسبی تحت سیطره بخش مالی توسعه نیافته ژاپن بوده است. به منظور بهبود کارایی و افزایش قابلیت ها و ارتقای جایگاه بازارهای مالی این کشور توکیو در آوریل ۱۹۹۸ به ابتکار عظیمی در زمینه مقررات زدایی و رفع محدودیت ها دست زد.

یکی از مهمترین تغییرات این بود که سختگیری ها و محدودیت ها در مورد حساب سرمایه رفع شد. توکیو همچنین طیفی از ابزارها و انگیزه های مالی را به جهانیان معرفی کرد تا از این طریق بتواند نرخ بهره بین المللی را به سمت سرمایه گذاری هایی که بر حسب ین صورت می گرفت جلب کند. از جمله تدابیری که اندیشیده شد این بود که دامنه ای از سررسید اوراق قرضه ایجاد شود تا هزینه تمام شده مبادلات و مالیات کاهش یابد و کارایی نظام تسویه حساب ها و شفافیت شیوه های عملکرد افزایش یابد.

اما اصلاحات بخش مالی، تشویق های مقامات رسمی و برنامه های اهدای کمک بر پایه ین هیچ یک نتوانست تقوی ین در منطقه را برای ژاپنی ها به ارمغان آورد. زیرا بسیاری از



است. بنابراین جذابیت آن به عنوان ذخیره ارزش ناچیز است. در دهه ۱۹۹۰ نرخ برابری ین در مقابل دلار در طیف ۸۰ ین در برابر یک دلار و ۱۵۰ ین در مقابل یک دلار متغیر بود.

۴- اقتصاد ژاپن در خلال دهه گذشته اساساً در حالت رکود و ایستایی قرار داشته و این وضع کاهش فزاینده قدرت اقتصادی این کشور و بالا رفتن ابهامات در مورد اعتبار بانک مرکزی ژاپن را به دنبال داشته است.

۵- هر چند مقامات توکیو از دیرباز آرزوی بین المللی شدن ین را در سر می پروراندند، فقدان حمایت قدرتمند داخلی از این سیاست همواره مشهود بوده است. تردیدهای داخلی مخمل ثبات و آرامش و مانع تلاشهای هماهنگ جمعی برای به کارگیری تدابیر لازم در جهت گسترش ین بوده است.

۶- سرانجام اینکه عوامل سیاسی منطقه ای ممکن است بزرگترین موانع در جهت شکل گیری هر نوع قلمرو بالقوه ین محسوب شوند. بیشتر کشورهای شرق آسیا از بابت رهبری ژاپنی ها احساس نگرانی می کنند. چین عمیقاً به ژاپن سوظن دارد و هیچ گاه اجازه نخواهد داد ژاپنی ها بر اقتصاد منطقه تسلط یابند. کره جنوبی نیز موضع گیری احساسی مشابهی نسبت به این مسئله دارد و در برابر برنامه هایی که با هدف تسلط ین بر پولهای رایج منطقه تدوین می شوند، مقاومت خواهد کرد. به عبارت دیگر، حمایت محدود از حوزه ین توسط کشورهای دیگری برعهده خواهند گرفت. مثلاً در اکتبر گذشته آقای تسانگ وزیر دارایی هنگ کنگ به رغم ملاحظاتی و قید و بندهایی که کشورهای دیگر احتمالاً مطرح می کردند، ایجاد یک اتحادیه پولی در شرق آسیا را پیشنهاد کرد که بر پایه ین ژاپن استوار بود. او تأکید کرد که کلیه پیش داوریهای سابق را باید کنار نهاد.

در فوریه سال ۲۰۰۰ نیز وزیر تجارت بین المللی و صنایع مالزی «داتو سری رفیده عزیز»<sup>۳</sup> با نمایندگان بیش از ۷۰۰ شرکت ژاپنی ملاقاتی به عمل آورد و به حمایت کشورهای آسه آن از بین المللی شدن ین اشاره کرد. او همچنین گفت: شاید ژاپن آمادگی لازم برای گسترش حوزه استفاده از پول ملی خود را نداشته باشد.

بنابراین یک توافقنامه چند جانبه که هدفش استفاده از ین می باشد، باید در درجه اول از وابستگی کشورهای شرق آسیا به دلار بکاهد و سرانجام آنها را به سمت شکل گیری پول واحد آسیایی رهنمون شود.

فرا تر از همه اینها، توکیو از سطح ناچیز حمایت ها آگاه و مطمئن است اما اگر موانع سیاسی و اقتصادی رفع شود، تحقق حوزه ین در شرق آسیا چندان ناممکن نخواهد بود.



پول هایی که به برنامه میز او اختصاص یافته بود صرف نزدیکی و همبستگی بیشتر ژاپنی ها در شرق آسیا گردید و به صورت و جوهری برای بازپرداخت بدهی های دلاری، هزینه شد. این نشان می دهد که بخش عمده استقراض ها به دلار بوده است.

علاوه بر این، تلاش های توکیو تغییرات ناچیزی را به دنبال داشت، چون هنوز هم بسیاری از مبادلات منطقه بر پایه دلار انجام می گیرد. گرچه صادرات ژاپن به کره جنوبی (بر پایه ین) در ۷ ماهه نخست سال ۱۹۹۹ معادل ۹/۵ درصد افزایش می دهد ولی چنین پیشرفت هایی چندان چشمگیر نیستند که بتوانند در کانون توجهات قرار گیرند چرا که در حال حاضر ۹۰ درصد مبادلات بازرگانی کره جنوبی بر پایه دلار صورت می گیرد.

استفاده گسترده تر از ین در شرق آسیا با موانع متعدد دیگری نیز روبروست:

۱- ین در مقایسه با دلار و یورو به یک پولی فرعی محسوب می شود و کارکرد آن در مبادلات ارزی به صورت یک واسطه جهانی محدود است. به عبارت دیگر، بخش اعظم جریانات سرمایه بین المللی شرق آسیا، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، مبادلات و کمک ها از طریق دلار تامین می شوند.

۲- قسمت اعظم ذخایر ارزی کشورهای منطقه به دلار است. بنابراین استفاده از ین نه فقط اسباب دردسر است بلکه توام با ریسک پولی نیز می باشد.

۳- ارزش ین دائماً و به طور گسترده در حال نوسان

اتحادیه پولی شرق آسیا را شکل دهند. این فرایند چند سال به طول خواهد انجامید؟ برآورد می شود حدود ۲۰ الی ۵۰ سال. به هر حال، گامهای مهمی همچون پیشبرد همگرایی خوشه ای ممکن است در طول ۳ الی ۱۰ سال بعد رخ دهد ولی مطمئن باشید بحث های کنونی هنوز در مراحل آغازین خود قرار دارند هر چند سطح فعلی علائق هم جهش نمایانی نسبت به چند سال گذشته محسوب می شود.

برای اولین بار، در اوت سال ۱۹۹۹ و در کنفرانس مالزی افکار عمومی از موضع گیری رهبران منطقه ای در خصوص این موضوع آگاه شد. شرکت کنندگان تایید کردند ایجاد اتحادیه پولی شرق آسیا بلندپروازی و اندیشه ای وقت گیر است. اما در نهایت به این نتیجه رسیدند که گام های مقدماتی در این زمینه برداشته شده و باید با خوشبینی توأم با احتیاط به چشم انداز آینده اتحادیه نگرست.



### نتیجه گیری

در چند سال گذشته، اتحادیه پولی آسیایی کمبودناپذیر می نمود اما سیستم پولی بین المللی زمینه را برای پذیرش تغییرات مهمی هموار ساخت و رهبران مالی را وادار کرد این فکر را جدی تر بگیرند. فکری که اندکی قبل عجیب و غریب می نمود.

در سال ۱۹۹۹ چشم انداز ایجاد اتحادیه پولی شرق آسیا برای نخستین بار در دستور کار مذاکرات منطقه ای قرار گرفت و بحث و بررسی در این مورد آغاز شد. برداشت های سطحی و تصورات منظمی در این زمینه بسیار بوده است. مفهوم اتحادیه پولی شرق آسیا، طرح جدیدی نیست اما در فاصله زمانی کمتر از یک سال از یک مفهوم «خنده دار» به «یک هدف راهبردی ممکن» تبدیل شده است.

السته موانعی در راه تحقق این فکر وجود دارد که چیره شدن بر آنها دشوار است. نظام های اقتصادی و سیاسی ناهمگون، مناقشه های حل نشده ارضی و خصومت های فرهنگی، تلاش برای پیشبرد همکاری های منطقه ای را خنثی می کند و این تلاش ها را تا سطح تلاش برای شکل گیری اتحادیه پولی تنزل می دهد. به هر حال، منافع عمده ای همچون «ثبات» رهبران منطقه را تشویق می کند تا در جهت نیل به همگرایی اقتصادی تلاش کنند. اگر یک اتحادیه پولی تمام عیار در بلندمدت جامه تحقق پوشد، قطعاً آهنگی آهسته و تدریجی خواهد داشت. یک سناریو این است که در ابتدا تعدادی از کشورها که از هماهنگی و سازگاری لازم برخوردارند، در جهت هماهنگ ساختن نظام های اقتصادی خود تلاش کنند و پول های ملی خود را به هم پیوند دهند. این همگرایی حالت «خوشه ای»<sup>۳</sup> داشته سپس این کشورها باید به همراه سایر کشورهای منطقه،

این متن، ترجمه مقاله ای است تحت عنوان:

East Asian Monetary Union: More Than Just Talk?

- 1- Asian Monetary Union
- 2- Future Regional Monetary Union.
- 3- Yen Bloc
- 4- Asian-pacific Coopretion Forum
- 5- Asian-pacific Economic Coopretions (apec)
- 6- Executives Meeting Of East Asia-pacific (emeap)
- 7- Thai Baht
- 8- Pure Or Managed Floting Regimes
- 9- Exchange Rate Systems
- 10- European Monetary Union
- 11- Maastricht Treaty
- 12- Rodolfo.c. Severino
- 13- Asean Currency
- 14- Hongkong Monetary Authority
- 15- Joseph Yam
- 16- Donald Tsang
- 17- Hanoi Plan At Action
- 18- Nihon Keizai Shimbun
- 19- Oligarchy
- 20- Spratly Islands
- 21- City-states
- 22- Dollarization Plan
- 23- Regionalism
- 24- Michel Camdessu
- 25- Common Currency
- 26- Monetary Union
- 27- Optimum Currency Area
- 28- Metropolis
- 29- Keizo Obuchi
- 30- Kiichi Miyazawa
- 31- Miyazawa Plan
- 32- Soft Credit
- 33- Yen Denominated Loans
- 34- Dato Sery Rafideh Aziz
- 35- Cluster